

سلام.
خیلی خوش اومدی به قلم پر! :evil:

۱. نام و نام خانوادگی، محل زندگی، سن، قد، وزن، رشته و میزان تحصیلات، وضعیت تاهل، تعداد خواهر-برادر و از این جور چیزا... مفتخرمون کن به آشنایی با خودت.

سیاوشم! ۱۸ سالمه کلا، در انتظار دانشگاه. نه پسر برگزیدم نه چیزی صرفا یکمی بیکار، یکمی تنبل، یکمی احمق، به مقادیری بژله گو و به میزان کافی بدشانس، در واقع یک انسان عادی! مدیونید که فکر کنید از زیر جواب دادن این سوال دارم در میرم.
hammer: فک نکنم ملت مشتاق باشن فد و وزن بدونن ولی قدم بلنده و به مقدار کم و مناسبی اضافه وزن. مجردم، شماره تماسم مینویسم در انتهای اینا هر کی دلش خواست تماس بگیره شاید امر خیری پیش اومد، آقایونم خواستن تماس بگیرن به هر حال یکم از اخلاقیات هری دامیلی هم در بنده نفوذ کرده که نتیجه ی تهاجم فرهنگی، شرم بر ما! :hammer:

خب دیگه، بریم سر اصل سوالا! :evil:

سوالات جادوگرانی:

۲. کی و چطور سر از جادوگران درآوردی؟ عضویت تو ایفای نقش چه حسی داشت برات؟

حدودا فک کنم ۳ یا ۴ سال پیش بود. اون موقع از طریق سایت افسانه ها رحمت الله علیه با ایفای نقش آشنا شده بودم و منم جوون و خام و بیکار خوشم و اومد و پی گیر شدم. حقیقتش من از هری پاتر بدم میومد به خاطر تفکرات بچگونه و جاهلانه ولی یهو به جوی من رو گرفت که برم بخونم ببینم چطوریه. خلاصه رفتم کتابش رو دانلود کنم چون خیلی بی فرهنگ بودم نمیتونستم مثل آدم برم بخرم. کتاب اول رو جادوگران ترجمه کرده بود و منم یهو آدرسش رو زدم تو نت و فکر میکردم این سایت چون اولین کتابه رو ترجمه کرده و اینا و قدمتش حتما خیلی زیاده و تا الان نابود شده ولی در کمال تعجب دیدم قدمتش زیاد هست اما سرپاست!

اون موقع فصل امتحاناتم بود و به مدت تقریبا ۲ ماه اینا هی میومدم فقط نگاه میکردم و میخوندم و از همون اول کسی که به شدت من رو جذب کرده بود مورفین گانت بود و فضای عجیب و خودمونی سایت. خلاصه تابستون شد گفتم وقتشه جامه ی عمل بپوشم و به مهران (کلاوس بودلر) گفتم درپارش که آقا شما عضوی و اینا بهم بگو از سایت و ایشونم راهنمایی کرد و به لطف ایشون عزمم رو جزم کردم که بیام. رول ورودیم اولین رول طنزم بود و توش از وقایع حال حاضر سایت استفاده شده بود واس همین یاروی تایید کننده گفتش که اگه اکانت قبلی داری بگو و فیک نزن و اینا. :ygrin:

۳. اگه با جادوگران آشنا نمیشدی، چقد با الان فرق می کردی؟ چند درصد از وجود فعلیت، تأثیر گرفته از جادوگرانه؟

تقریبا فرق خاصی نمیکردم، نمیدونم. شاید یکم اجتماعی تر شدم، یکم فکرم بیشتر رشد کرد، تفکرات مختلف رو بیشتر حس کردم و رفیقای بعضا خوبی پیدا کردم. ولی جادوگران چندان بخش بزرگی از زندگیم نبوده صرفا ۲ ۳ سال از عمرم رو تو یک گراند حضور داشته و بعضی لحظات خیلی بولد شده واسم مثل دوران فرار از آژکابان که قشنگ تحت الشعاعش قرار گرفته بودم و پراید شده بودم! :hammer:

۴. به جز تراورز و هری پاتر شناسه ی دیگه ای هم داشتی؟ توضیح بده برامون.

بله، دکتر فیلی باستر ملعون! به زمانی بود که تو جمع مرگخوارا زیاد فرد محبوبی نبودم و حتی بعضا منفور شده بودم یعنی همچین حسی رو داشتم که منفورم، ترجیح دادم تغییر جبهه بدم و مسئولیتایی که با تراورز داشتم هم بدم بره. نتیجش شده یه پیرمرد که معجون جوونی خورده و تبدیل به بروس لی شده و کل تاثیرش رو سایت این بود که ملت میگفتن غووووودا! شخصیت مزخرفی بود...

۵. چی شد تراورز رو برداشتی؟ چی شد حاجی شدی؟

میخواستم شخصیت خشنی داشته باشم و تو توضیحاتش نوشته بود یه خاندان رو به کل قتل عام کرده و این واسم جالب بود، یه بدعس کامل و به تمام معنا میخواستم! برای رول های طنز سعی کردم یه ادم لات باشم که ملت رو تو گونی میکنه و تسبیح و گونی جزوی از شخصیت تراورز شدن، ولی چون شخصیت ویولت هم شخصیت لاتی بود زیاد شخصیت یونیکی نبود تراورز بنابراین به توضیه لرد ولدمورت گرامی تراورز شد یه حاجی توهمی تسبیح به دست که ملت رو تو گونی میکنه و بیشتر از اینکه لات باشه یه فرد آسلا می و تو توهم باشه.

۶. چی شد تصمیم گرفتی هری رو بگیری؟ چه توانایی خاصی در خودت دیدی؟

جوونی کردم، خامی کردم و حماقت کردم! هیچ توانایی ندیدم صرفا به شدت حریص بودم. انتخابات وزارت بود و من مونده بودم و پاروفیو و لونیس ویزلی. البته ماندانگاسم بود که کشید کنار، من با اینکه یه کابینه کامل جمع کرده بودم و کلی آدم خفن که خیلی باهاشون حال میکردم رو جمع کرده بودم یهو جوگیر شدم که هری چرا خالیه؟ نظارت محفل و گریف رو با هم بهم میدن و نیازی نیست تو انتخاباتم باشم. صحبت کردم با مدیرا و گفتن برای گرفتنش باید استعفا بدی از انتخابات، منم با یه سری افراد صحبت کردم و مشورت گرفتم و فهمیدم یه شخص دیگه هم اون شناسه رو میخواد که اون زمان زیاد ملت نمیخواستن این شناسه دستش بیوفته. منم جاهل بودم و استعفا دادم و هری شدم!

۷. هری پاتر بودن چه حسی داره؟ یعنی اینکه وقتی داری به جای شخصیت اصلی یه کتابی که یه عالمه آدم رو شیفته‌ی خودش کرده می‌نویسی، هیچ احساس خاصی بهت دست میده؟

خوب نیست! اون اوایل حس میکردم خفنه ولی نبود، سخته شخصیت اصلی یه مجموعه رو بخوای اون طور که میخوای باهش ور بری. صادقانه من اصلا شیفته ی هری نبودم و واسم شخصیت چندان خاصی نبود و حتی هر از گاهی ازش نفرت یافتم ولی خب یهو برش داشتم گفتم اشکال نداره مثل خودمه یعنی احمق، لجباز و خب مایه دردرس ملت معمولا ولی تهش یه کاری میکنه میشه پسر خوبه ی ماجرا.

نوشتن باهش سخته، حس میکنی تازه واردا به خصوص خیلی حساسن روت و انتظار بالا ازت دارن و خب من نویسنده درجه یکی نیستم و رول زدن رو برام از حالت تفریحی خارج کرده چون احساس فشار میکنم یکم.

۸. با تراورز مرگخوار بودی تا جایی که یادمه. بعد یهو یکی از اصلی‌ترین شخصیت‌های محفل رو گرفتی... علت این چرخش چی بود؟ دوست نداشتی به جای هری، بلاتریکسی، لوسیوس، نجینی‌ای، چیزی بگیری؟

حقیقتش زیاد شخصیتای بین مرگخوارا جذبم نکردن و کلا حال نمیکردم زیاد با شخصیتای اصلی تو کتابشون و خدا رو شکر که تو سایت افرادی بودن مثل ریگولوس و رودولف و اون شخصیتا رو جور دیگه ای کردن که باهاشون حال میکردم. زیاد آدم بده بودم ترجیح دادم یکم آدم خوبه باشم! **hammer:**

و البته دلم میخواست تو کانون توجه باشم، طفل صغیری بودم. توی محفل هم صادقانه هیشکی بام حال نمیکرد و به زور راهم داده بودن. **ygryn:** با دامبلدور اون زمان یعنی رامین هم به مشکل برخوردیم و نظارت اصلا جالب نبود یعنی حقیقتش نیتم خیر بودو بد هم عمل نمیکردم اما چون نتونسته بودم کاری کنم ملت قبولم داشته باشن کارایی نداشت مثلا ماموریت میزد و عده ی کمی شرکت میکردن در صورتی که خودشون درخواستش رو داده بودن - یوان هنوز اعصابم خورده ازت **hammer:** - حتی وقتی رامین رفت و قرار بود دامبلدور جدید بیاد من یه نفر رو پیشنهاد کردم و مدیرا بهم گفتن بچه های محفلم پنهونی و اینا همین فرد رو پیشنهاد دادن. یعنی با وجود اینکه همفکر بودیم اما هنوز اعتمادی نبود بهم و الله وکیلی خورد شدم اون موقع دی .

۹. مدت کمی بعد از اینکه هری رو گرفتی، غیبت زد. چرا؟ احساس عذاب وجدان نداشتی از اینکه به شخصیت به این مهمی رو گرفتی و رفتی؟

حقیقتش اون زمانی که ول کردم رفتم سرم به شدت شلوغ بود و اصلا وقت سایت رو نداشتم، الانم ندارم فی الواقع! دی و نه عذاب وجدانی نداشتم چون وقتی میخواستم برم جدا از اینکه مسئولیتام رو تحویل دادم به مدیرا گفتم اگه کسی اومد و شناسه رو خواست بهش بدن و حتی اگه خواستن فراخوان بزنن برایش و تو این مدت هر از گاهی چک میکردم و کسی نیومد بگیرتش، انگار هری خواهان نداره اصلا! hammer:

۱۰. تا به حال شده از هری پاتر خسته بشی و بخوای شناسه‌تو عوض کنی؟

زیاد! شخصیتی نیست که زیاد از لذت ببرم و جدا از اون اتفاقاتی که اوایل برام تو محفل و گریف افتاد و کلا ملت زیاد بهم اعتماد نداشتن و این قضایا بهم فشار میورد و خب درخواست اینم دادم که هری رو بدن به یه نفر دیگه.

۱۱. این عمری که در جادوگران گذروندی رو هدر رفته میدونی؟ چرا؟

بعضی وقتا آره ولی تاثیرات مثبتی که روم گذاشته رو وقتی به یاد میارم میبینم نه، چندانم هدر نشده عمرم، مثلا قرار بوده زمان فارغ از اینجا رو به چه شکل سپری کنم؟ بازم بللی تللی و اینا، باز اینجا ۲ تا چیز نوشتم با چن نفر آشنا شدم و خیلی مفیدتر از سایر تفریحاتم بوده.

۱۲. خودت رو متعلق به کدام گروه می‌دونی؟ تعصبت به گریفندور خیلی زیاده و یا نه برعکس؟ اگه مثلا بهت پیشنهاد بدن با همین شناسه گروه‌تو تغییر بدی، اینکارو می‌کنی؟

ریونکلا بیشتر، ملت میگن با استعدادم و باهوش ولی خب ملت حرف زیاد میزنن. دی به نیمچه شجاعت یا در واقع حماقتی دارم، پشتکار صفر و بلندپروازیای اسلیرینم زیاد! بین اسلی و ریونم خلاصه. و بله زیاد با فضای گریف همخونی ندارم و زیاد خوشم نمیداد کلا باشم اونجا، اگه بتونم برمیگردم ریون.

۱۳. چرا همه تمایل دارن برن گریفندور؟ زیادی تح تاثیر کتاب قرار گرفتن یا چیز خاصی داره واقعا؟

این مربوط به قدیما بوده بیشتر، تازه واردا که تازه کتابو خوندن یا فیلمو دیدن اکثرا میرن سمت گریف برای همین گریف توی هاگوارتز اوضاعش معمولا بهتره چون تازه واردای بیشتر و با انگیزه تری داره که عاشق شرکت تو هاگوارتز در صورتی که باقی گروه‌ها معمولا تازه وارداشون چندان تازه وارد نیستن و هاگوارتزاشون رو چشیدن قبلا یا زیاد تمایلی ندارن شرکت کنن.

۱۴. نظرت رو درباره ی گروه های شش گانه ی سایت بگو.

زمانی که رفتم ریون به شدت جو صمیمی و باحالی داشت و از این خوشم میومد که ملت خارج سایتیم با هم رفیقن و فقط درگیر هاگوارتز و اینا نیستن جز به مدتی که به ناظری مجبور میکرد ملت رو که به شدت اون زمان فک کنم اعصابمون خورد بود ولی بازم زورمونو زدیم و قهرمانیم گرفت ریون.

شخصا با جو گریف حال نمیکنم، شرمنده آراین (فهریر یا آرسینوس سابق) ولی حال نمیکنم بات به خصوص نظارت و اینات.
hammer:

اسلترین هم به جای خفن بوده تو ذهنم همیشه خیلی از افرادی که به نظرم خیلی خفن بودن از اونجا اومدن و خوشم میاد که اهل هاگوارتز نیستن زیاد. ygrin: از هافلزم زیاد نمیدونم ولی ادمای جالبی دیدم توش، حس میکنم اصلا شبیه هافل کتاب نیستن و این جالبه!

مرگخواران به لطف ولدمورت بین قطبای محفل و مرگخواران همیشه برتری داشتن تو فعالیت و هماهنگی، به شدت جای باحالیه و خاطرات خیلی خوبی داشتم اونجا! محفل هم جای خودمونی و باحالیه و اینجا هم تجربیات جالبی داشتم.

۱۵. سه نفر از هر گروه رو بگو که باهاشون خوبی و دوستی.

من واقعا انقدر دوست ندارم! دقیق هم یادم نیستن ملت که از چه گروهی بودن و اینا ولی سعیو میکنم!

از گریف هاگريد، دامبلدورم باهاش روابط حسنه ای دارم. از هافل فک نکنم ولی فک کنم رودولف و وینکی به مدت اونجا بودن. ریون هم که اون خانوم سوسکه فک کنم ریتا(کامییز شناستو نمیدونم :دی) و ادوارد پونز و لینی، عده خیلی زیاد دیگه ای شناستون یادم نیست... و تو اسلترینم خب ولدمورت خیلی بهم کمک کرده، با ریگولوسم روابط حسنه ای دارم و عده ای دیگر که ایضا شناسه یادم نیست!

۱۶. به عنوان هری، رابطه‌ات با دامبل سایت چطوره؟ چندتا دامبلدور/ لرد دیدی تا حالا؟ دوران کدوم یکی رو بیشتر می پسندی؟

با دامبلدور فعلی که اوکی هستیم ولی شناخت زیادی از ایشون ندارم، دامبلدور قبلی هم فک کنم هاگريد فعلی بود و رفیقم بود و دامبلدور اولی که رامین بود دوری و دوستی، نزدیکی و دلخوری! دو عدد لرد دیدم و فک کنم ۶ تا دامبلدور! hammer: دوران لرد فعلی مدتی که تو مرگخواران بودم عالی بود.

۱۷. چرا محفل اینقدر دامبلدور و هری پاتر عوض میکنه؟ دامبل فعلی به نظرت میتونه دووم بیاره تو این نقش، یا تجربه ی دامبل بودنش به کار الانش نیماهد؟ تو به عنوان هری چکار میتونی بکنی که محفل سر پا تر از الانش شه؟

همه چیز بستگی به کاربرا داره، کسی نمیتونه مسئولیتا رو برای طولانی مدت نگه داره جز عده ی معدودی چون خب زندگی خارج سایت هر فردی براش مهم تر از سایته و حق هم داره! فقط مربوط به محفل هم نیست ولی معمولا محفلیا زیاد کامیتمنت ندارن نسبت به محفل، برای همین بیشتر عوض میشن. اگه لرد این کامیتمنت خاصش رو نداشت مطمئنا مرگخوارا هم به شدت تغییر لرد میدادن. امیدوارم دووم بیاره ایشون کارش رو قبول دارم. و هیچکار خاصی قرار نیست بکنم، صرفا هریم و فعلا مسئولیتی ندارم و فقط میخوام ایفام رو کنم. :دی

۱۸. بهترین و بدترین پستت از نظر خودت کدومه؟ لینک بده لطفا.

حقیقتش اصلا یادم نیماهد چیا نوشتم ولی قطعا بدترین پستام با تراورز بوده هر چند که به شدت از فیلی باستر بدم میاد ولی باهاش چیزی ننوشتم که بخواد بد باشه حتی ولی ارجاعتون میدم به این:

http://www.iadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=303445

رول بالا آشغاله! با تراورز هم یه سری رول تو فرار از آزکابان داشتم که خیلی عجله ای بودن مثلاً یادمه اومده بودم یه دفعه نثر جمال زاده رو تقلید کنم و افتضاح شد!

بهترین رول هم نمیدونم واقعا، اونایی که بیشتر در مورد دنیای واقعی رو بیشتر دوس دارم. رولام با هری رو ترجیح میدم چون خیلی یهوئی نوشتم و تو ۲۰ دقیقه تکفرات ۲۰ روزو خالی کردم. دی با مودم بیشتر همخونی دارن. این رو به شکل کاملاً رندوم میذارم:

http://www.iadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=313552

این رو هم خیلی دوست دارم چون قشنگ گند زدم وسط سوژه:

http://www.iadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=319667

۱۹. بهترین سوژه ای که ادامه اش دادی و بهترین سوژه ی در جریان سایت کدومه و مال کدوم تاپیکه؟

تا الان فک کنم کاملاً متوجه شده باشین که حافظم خیلی مشکل داره ولی چنتا سوژه رو دوس داشتم یکیش تو نوزده سال بعد بود هی سری موجود میومدن جادو و روح و اینارو همه با هم میکشیدن بیرون و ملت رو میکشتن یکیشم فرار از آزکابان بود و مهمتر از همه دخمه های قلعه که اصلاً سوژه نداشت. الاتم دنبال نمیکنم زیاد بدونم چه سوژه هایی هستن.

۲۰. کسی هست که هر پستی بزنه، بخونی؟ بهترین پستی که خوندی چی و از کی بوده؟ لینک بده اینم لطفا.

مورفین و جیمزتدیا رو خیلی دوست دارم و کلا مورفین یه جورایی الگوم بوده همیشه. من کل پستای بین صفحات ۳ تا ۶ دخمه های قلعه رو پیشنهاد میکنم.

۲۱. از فعالیت کردن تو سایت خسته میشی؟ کدوم بخش رو بیشتر برای فعالیت کردن دوست داری؟

آره چون دیگه اون قدرت نوشتنو ندارم و بد مینویسم، من آزکابان همیشه واسم یه جای مخصوص و عرفانی بوده!

۲۲. چقدرتا رنک داری؟ به تفکیک نام ببر.

در حال حاضر که هیچی ولی خب مدیر بودم، ناظر بودم واس آزکابان و محفل، فک کنم چند تا دوره معدود فعال ترین ریونی محفلی جایی شدم ولی کلا رنک زیاد نداشتم خدا رو شکر، و اینکه همیشه بهترین تازه وارد رو میخواستم...

۲۳. بهترین ها رو معرفی کن.

بهترین نویسنده ی جدی حال حاضر: حقیقتا دنبال نکردم و نظر خاصی نمیتونم بدم چون سبک جدی توی سایت تقریبا مرده و خیلی کم پیگیری میشه و خب، منطقیه!
بهترین نویسنده ی جدی تاریخ سایت: رولای جیمزتدیا و ویولت رو دوست میداشتم.
بهترین نویسنده ی طنز حال حاضر: عاشق طنزای هاگردم.
بهترین نویسنده ی طنز تاریخ سایت: عاشق طنزای مورفینم خیلی بیشتر!
بهترین نویسنده ی هر دو سبک در حال حاضر: هاگر را بسیار میپسندم.
بهترین نویسنده ی هر دو سبک در تاریخ سایت: مورفین را خیلی بسیار میپسندم!
بهترین ناظر انجمن: ولدمورت قطعاً!
بهترین عضو تازه وارد: دنبال نکردم اخیرا نمیدونم حقیقتا، شرمنده.
بهترین آواتار: آواتار تراورز که توش نصف جینه. دی
بهترین امضا: امضای تراورز ایضا!

۲۴. وقتی تازه وارد بودی کی کمکت کرد؟ فکر می کنی بیشتر از همه تو سایت به کی مدیونی؟ الگوی نوشتنت تو سایت کیه/کی بوده؟ الگوی نوشتن کیا بودی؟

کلاوس بودلر رو ورودم کمک کرد، لرد تو شخصیت پردازی کمک کرد و به شدت مدیونم به جفتشون! الگوی نوشتن هم که مورفین بوده برام و واقعا فکر نمیکنم ذره ای الگوی کسی بوده باشم، هیچکس دلش نمیخواد مثل من انقد گشادیسیم طوری بنویسه.
hammer:

۲۵. بهترین دوستان تو سایت کیا هستن/ بودن؟

کامبیز (ریتا بود)، ریگولوس، وینکی و هاگرد! افراد دیگه ای هم بودن ولی خب رفاقتم باهاشون زیاد خوب پیش نرفته.

۲۶. چند نفر از سایت که وارد زندگی واقعیت شدن؟ تا حالا چه کسانی رو از نزدیک دیدی؟ کی رو دوست داری ببینی یا باهاش بیشتر آشنا شی؟

قبلا با اون ۴ نفر بالا همیشه صحبت میکردم و اتک میزدیم به گروه های تلگرامی با راونای سابق (فک نکنم باشتش الان) و هوریس فعلی (ممد) ولی تنها کسی که دیدم هاگرد (آبات) بود که برعکس شخصیتش به شدت لاغره و عاشق نخود و فلافل و مواد بادزا! انسان جالبیه روزانه باش صحبت میکنم کلا و هر دفعه میاد پوشهر میرم سمتش همین چن روز دیگه هم باز تشریف میاره.
دی:

۲۷. از کدوم یکی از اعضا بیشتر خوشت میاد و چرا؟

هاگر که رفیقمه، اخلاق وینکی و ریگولوس رو دوس داشتم و باهاشون حال میکردم و مهم تر از همه اخلاق لرد! ایشون عالین...

۲۸. بهترین تجربه و خاطره ای که از این سایت داری، چیه؟ هر کار یا فعالیت یا تجربه ای که به ذهنت میاد.

بهترین و بدترین تجربه هام یکی کاندید وزارت بودنم و یکیم فرار از آژکابان بودن. اولی کلی چیز عجیب برام آورد، وزیر نشدم و استعفا دادم ولی بعدش هم تو شورا بودم هم هری بودم هم مدیر شدم هم ناظر آژکابان و محفل و اینا که تهش پایان خوبی نداشت و گند زدم. دومی هم که پراید شدم و تمامی افراد درون سوژه رو سلاخی کردیم! یوان اگه داری این رو میخونی از سگا متفترم!
hammer:

۲۹. از بین اعضایی که فعلاً نیستن، دلت برا کیا تنگ شده؟ دوست داری کیا به سایت برگردن؟

ریگول، کلاوس، ریتامبیز، رولای خفن مورفین و جیمزتدیا که قبلا بیشتر بودن و یه دوست گرامیم پاپاتونده بود فک کنم که هم رولای خفنی داشت هم تو گاتیفا رفیق بودیم.

۳۰. تو سایت دشمن داری؟ از کی بدت میاد؟ دلت میخواد سر به تن کی نباشه؟

دشمن رو که لفظ سنگینیه و فک نکنم ولی عده ای هستن که از من بدشون بیاد مثلا یه رفیق داشتم به اسم حبیب که بعد دیگه زیاد با هم خوب نبودیم و دعوا داشتیم زیاد هر چند الان تو سایت نیستش. آرسینوس-فریر رفیق نیمه راهه و بارها از سمتش اذیت شدم چون خیلی حرفایی میزنه که تهش عمل نیست و بازیت میده، مثال بارز یک سیاست مرد واقعی! با رودولفم هر از گاهی دعوا و دلخوری داشتیم ولی خب مورد خاصی نبوده. و صادقانه افراد زیادی که واقعا ازشون بدم میاد ولی خب نمیگم زشته. دی

۳۱. نظرتو نسبت به تازه واردا کلی بهمون بگو ... مثلا اکثرشون خیلی رو اعصابن یا بعضیاشون اراده ی خیلی قوی دارن؟

معمولا اولش آزاردهنده هستن ولی یکم که جلو بره یه سری الماسا رونمایی میشن که از اینکه میبینیشون لذت میبری. اکثرا اراده خیلی قوی دارن و همینم کمکشون میکنه!

۳۲. از کدوم بخش سایت بیشتر از همه خوشت میاد؟

بخشای حاشیه ساز مثل همین قلم پر، مسابقاتی که میذارن، آزکابان و عشقم دخمه های قلعه که الا شده یه تاپیک سوژه دار و هدفمند و جایی برای تخلیه خستگی نیست دیگه!

۳۳. نظرت در مورد هاگ و کویدیچ چیه؟ بهترین هاگی که تا حالا دیدی کدوم بوده؟ بهترین لیگ کویدیچ/کویدیچ هاگ چی؟

صادقانه از هیچ کدوم لذت نمیبرم. هاگ فضاش برای منی که ۴ دوره دیدم تکراریه و حال نمیکنم و کویدیچ هم معمولا خیلی اوقات برنامه هاش خرابن و اعصاب خورديه هماهنگیش هر چند یه دوره که شرکت کردیم با هاگرید و آرسینوس و اینا تجربه عجیب و بدی بود که بارها خندیدیم بهش، هاگرید کاپیتانمون بود انداختیمش بیرون. دی

بهترین هاگوارتز اولین دورش بود فک کنم، شاید چون حس نوستالژیکی بهش دارم.

۳۴. اسطوره تو جادوگران چطور به وجود میاد؟ کسی هست که به نظرت اسطوره ی جادوگرانی ها پاشه؟ اسطوره ی تو کی بوده/ هست؟

مطمنا اسطوره نسل فعلی قطعا لرد هست، مسنولیت پذیری بالا و عشق شدید به سایت و مرگخوارا! اسطوره های قدیم رو زیاد نمیشناسم یعنی به اسم میشناختم قبلا ولی یادم رفته مثلا یادمه یکی بود به یه تعداد عجیبی رول زده بود تو سایت تو یه روز. اسطوره ها واس من لرد، مورفین و لارتن کریسلی (رماتیسیم مغزی) هستن.

۳۵. نظرت رو در مورد افراد زیر بگو.

هاگرید: یار غار، ۴ سالی هست رفیقیم و اینا، بچه خوبیه.

لینی وارنر: خیلی بهم لطف داشته همیشه و یه دوست خوب برام تو دوران مدیریت و ریون بوده.

آلبوس دامبلدور: کدومشون؟ hammer: با رامین که گفتم مشکلاتی داشتم و دامبلدور فعلم زیاد نمیشناسم ولی اگه

اشتباه نکنم یه دوره جیمز پاتر بود و داور کویدیچ که خیلی اذیتش کردم و یه رول bmc هم نوشتم واس ایشون و

سیریوس بلک که درجا پاک شد. شرمندتم. دی

لرد ولدمورت: نماد فعلی سایت، ستون!

یوآن: موجودی دوست داشتی و آزاردهنده! از سگا متنفرم... خیلی اذیتش کردم تو دوران نظارت محفل و همچنین فرار از آکابن. گروهشون تو اون مسابقات بی شک خفن ترین گروه بود و محشر بودن، واس همین همون اوایل قتل عامشون کردیم با گروهمون. شرمندتم. :دی

ادوارد بونز: شناخت زیادی از ایشون ندارم ولی گروهشون رو تو فرار از آکابان قتل عام کردیم با روونا، شرمندتم.

:دی

آر سینوس جیگر: رفیق نیمه راه و اسطوره ی ریاضی. شرمندتم. :دی

لادیسلاو: تو سایت افسانه ها با هم ایفا رو شروع کردیم و اون موقع زیاد با هم دونل میکردیم، تو گاتیفا هم با هم بودیم و بازم دونل میکردیم زیاد و خدا رو شکر تو جادو با ایشون و بلکل هیچکس دونل نکردم تا سطح پایین نوشتنم رو بخوام به رخ کسی بکشم. شرمنده خودمم. :دی

۳۶. از صفحه ی اصلی وارد سایت میشی یا صفحه ی انجمن ها؟ اولین چیزی که بهش نگاه میکنی چیه؟

سعی میکنم از صفحه انجمن ها پیام واسم راحت تره، اولین چیزی که بهش مینگرم قسمت پیام شخصی بهبینم پیام دارم یا خیر.

۳۷. نظرت در مورد وزارت و انتخابات وزارت چیه؟ اگه درست یادم بیاد خودت هم کاندیدای وزارت بودی در دوره های پیش. چی شد به نفع باروفیو کنار کشیدی؟

از جذاب ترین بخشای سایته ۴ دورش رو شاهد بودم و همشون برام جذاب بودن البته جز آخری. کشیدن کنارم احمقانه بود! به کابینه ی خیلی خوب جمع کرده بودم از کسانی که میدونستم کار درستن و صد در صد رقابت من با باروفیو میتونست خیلی جذاب تر باشه ولی خب رفتم و هری رو برداشتم که اونم حرکت احمقانه ای بود. ولی قیلش با باروفیو هماهنگ کردم و چند نفر از اعضای کابینم رو که ایشونم قبول داشت قرار داد تو کابینش و خودمم بعدش آکابان رو فک کنم مشترکا با ریگولوس گرفتم.

۳۸. تعداد نقد کننده های سایت نسبتا زیاده... ناظرای تالارای خصوصی، سران جبهه ها، به علاوه ی جادوکاران ویزن. نقدهای کی رو قبول داری؟ آیا هر نویسنده ی خوبی، یک منتقد خوب هم هست؟ اگه هست، بالقوه یا بالفعل؟

آدمی نیستم که نقد زیاد گرفته باشم یا یادم باشه نقدا رو ولی از لحاظ نقد شخصیتی ولدمورت رو خیلی قبول دارم، پتانسیل شخصیتتون رو تشخیص میده و خیلی کمکتون میکنه. و در مورد نوشتن هم زیاد یادم نیست حقیقتا چون من به شخصه درخواست نقد زیاد نمیدادم و اگه هم میدادم زیاد گوش نمیکردم. :دی ولی نویسنده ی خوب بودن اصلا به معنی منتقد خوب بودن نیست و بلعکس!

۳۹. وقتی میخوای به رول بنویسی، از کجا شروع میکنی؟ ایده ها رو چجوری گیر میاری؟ معمولاً نوشتن رولات چقد طول می کشه؟ تا حالا رولی رو زدی که مختص شخص یا اشخاصی خاص باشه؟

معمولا با به دیالوگ یا توصیف به چیزی که یهویی اومده تو ذهنم شروع میکنم، خیلی یهویی و خیلی بی برنامه. فکر نمیکنم زیاد حین نوشتن، سعی میکنم فقط فکرای که تو اون مدت قیل نوشتنش تو ذهنم بوده چه مرتبط چه غیر مرتبط رو خالی کنم کلا و حدودا ۲۰ دقیقه طول میکشه به رولم. رول مختص به شخص که زیاد زدم و عمدتا من باب ترول کردن و تخریب شخصیتی بوده.

hammer:

۴۰. در آینده برای سایت چه اتفاقی میفته؟

تا وقتی پول هاستش پرداخت بشه هست! :دی فک نمیکنم ریزش اعضای خاصی داشته باشه یا رشد داشته باشه، احتمالا همین وضع به مدت شاید دو سال باقی بمونه ولی خب با این وضع فعلی مملکت یا همه باید دو شیفت کار کنن برای پول یا کلا نمیتونن نت گیر بیارن و ملت دیگه تو جادوگران که سهله جای دیگه ای هم وارد نمیشن. البته ملت ما جوری نیستن که زیاد همت و پشتکار داشته باشن بنابراین تنوری آخرم رو نادیده بگیرید، مزخرفه!

۴۱. آگه خدای نکرده، مرلین بمیره و اون روز نیا! آگه به موقع سایت دیگه نباشه، چی از سایت برای همیشه برات یادگاری باقی میمونه؟

رفیقایی که پیدا کردم و خاطرات تلخ و شیرینش...

سوالات هری پاتری:

۴۲. اول کتاب یا اول فیلم؟ با کدومش به دنیای هری پاتر وارد شدی؟

بچه بودم فیلمشو دیدم و خب خوشم اومد ولی جاهل بودم هی میگفتم مسخرست و این حرفا ولی کتابش وارد این دنیا کرد منو.

۴۳. یکی از قدرتای شخصیت های هری پاتر رو قراره بدن بهت. کدوم رو انتخاب می کنی؟
یه آپارات میکردم در میرفتم فقط! :دی

۴۴. هری پاتر رو معنی کن... منظورم اینه که شخصیتشو چطور می بینی و از نظر خودت چطور آدمیه؟

عنصر نامطلوب شماره یک! لجباز، شجاع، احمق، مهربون و عجیب. یه جورایی بهم شباهت داره به همین خاطر زیاد ازش خوشم نمیداد.

۴۵. کتاب ها و فیلم هارو به ترتیب از محبوب به منفور لیست کن.

کتاب: محفل فقتوس، زندانی آزکابان، شاهزاده دورگه، یادگاران مرگ، سنگ جادو، جام آتش و در آخر تالار اسرار ولی همشون عالین!

فیلم: محفل فقتوس، شاهزاده دورگه، یادگاران مرگ، جام آتش، تالار اسرار، زندانی آزکابان و سنگ جادو.

۴۶. محبوب ترین و منفورترین شخصیت کتاب از نظرت کی بود؟

محبوب ترین برای من ریموس لوپین بود در کنار سیوروس اسنیپ، دو شخصیت کاملا سمپاتیک که داستان زندگیشون جوریه که به حق اشک آدم رو در میاره.

منفور ترین هم لوسیوس مالفوی، دراگوی بدبخت رو نابود کرد رسماً...

۴۷. آیا شده برگردی و دوباره بخونی/ببینی شون؟ تکراری نشده بود دیگه؟

زیاد! کتابا رو فک کنم ۳ یا ۴ بار خوندم فیلمها هم تقریباً ۴ یا ۵ باری دیدم و واقعا تکراری نشده بودن لعنتیا!

۴۸. جای رولینگ بودی چی می کردی؟ داستان همینطوری خوبه یا تغییر خاصی می دادی توش؟

ترجیح میدم جاش نباشم و صرفاً از چیزی که خلق کرده نهایت لذت رو ببرم.

۴۹. آگه قرار باشه سری فیلم های هری پاترو از نو بسازن و به تو هم پیشنهاد بازیگری بدن، کدوم نقشو انتخاب می کنی؟

احساس میکنم مناسب ترین نقش برای من دراگو مالفویه البته آگه موهام رو بلوند کنم و یه خورده سفید تر بشم. :دی

۵۰. طرفدار شخص خاصی بودی تو کتاب؟

اوایل سیریوس بلک بعداً زیاد حس مثبتی نسبت بهش نداشتم و دامبلدور رو الگوی خویشتن قرار دادم.

۵۱. نمایشنامه و این چیزایی که نسبتاً جدید اومده هم خوندی؟ جانوران شگفت انگیز چی، دیدیش؟

نمایشنامه خیلی بد بود، یادم نمیره چقدر حالم خراب شد و بدم اومد ازش! والا فیلمه رو هم ندیدم منتظرم دوش بیاد با حضور بیشتر جانی دپ سپس ببینم.

۵۲. جمله ای، پاراگرافی، صحنه ای... چیزی از کتابا یا فیلمها آگه دوست داشتی بگو.

۵۳. چند تا شخصیت از سری مجموعه هری پاتر برات نام می‌برم. تو باید هر بار از این اشخاصی که نام می‌برم یکی رو انتخاب کنی با توجه به محبوبیت اون شخصیت توی دیدگاه خودت؛ و در آخر که یکی از اون‌ها باقی موند دلیل انتخاب و نکاتی که موجب شده انتخاب این شخصیت باشه رو برامون بگی. معیارهای انتخابت کاملاً مربوط به خودته ولی دلیل همیشه مارو در جریانشون نذاری!

به طور مثال اگر بین دراگو و ویکتور، ویکتور رو انتخاب کردی حالا انتخابت بین ویکتور، جینی و لونا هستش. دراگو مالفوی- ویکتور کرام مالفوی رو به جور همذات پنداری باهاش می‌کردم اینکه مجبور بود حرفای بزرگترا رو تکرار کنه و اگه نمیکرد برایش دردسر میشد و خب برام شخصیت جالب تری بود نسبت به کرام هر چند اون هم لایه های جالبی داشت.

جینی ویزلی- لونا لاوگود این اون انتخاب سختست! رو جفتشون کراش داشتم نمیخوام ناراحتشون کنم ازش می‌گذریم.

دی:

فرد ویزلی- جرج ویزلی واقعا جفتشون عالین منم مثل مالی ویزلی بین فرق نمی‌ذارم.

سوروس اسنیپ- سیریوس بلک اسنیپ! سیریوس در ظاهر خیلی مهربون و اینا بود ولی در باطن صرفاً یه آدم تنهای افسرده بود که دنبال نشونی از رفیق صمیمیش میگشت در صورتی که اسنیپ با وجود نفرت از پدر هری این گونه ازش محافظت کرد و حتی هوای یکی مثل دراگو رو هم داشت، یه قهرمان واقعی!

سوالات شخصی:

۵۴. خصوصیات اخلاقی کدوم یکی از شخصیت هایی که داشتی بیشتر شبیه خودته؟

هری مخصوصاً هری ۱۹ سال بعدی که الان سعی دارم ارانه بدم، دوتای قبلی که فقط بار طنز داشتن. دی:

۵۵. بهترین و بدترین اخلاقت چیه؟ چه اخلاقی رو دوست داری نداشته باشی، اما داری؟ و بالعکس.

بهترین شاید اینه تو هر نفر سعی میکنم بهتریناش رو ببینم و یکی دیگشم اینه که خیلی ایده تو سرم دارم همیشه و بدترین اخلاق اعتماد به نفس ضعیف و تنبلی شدیده که از همه چی عقبم انداختن الله وکیلی! hammer:

۵۶. جمع یا تنهایی؟ چه جور جمع و افرادی رو می‌پسندی / ازشون فرار می‌کنی؟

جمع رفیق‌ام رو ترجیح میدم به جمعای شلوغ و پر از افرادی که نمیشناسم و تنهایی. تنهایی مدت کوتاهی میتونه آدم رو آرام کنه ولی برای طولانی مدت سمه.

۵۷. خودت رو برای رضایت و جلب توجه دیگران، عوض می‌کنی؟

می‌کردم ولی دیگه نه، حوصله جلب رضایت کسی رو ندارم. کسی که باهام حال میکنه دمش گرم، کسی که باهام حال نمیکنه بازم دمش گرم کاری باهاش ندارم.

۵۸. دنیا رو از چه دیدی می‌بینی؟ آسمون آبی با گلای رنگارنگ و خورشید صبحگاهی درحال درخشش و نسیم بهاری یا یه دید منطقی‌تر نسبت بهش داری؟

والا دید من نسبت به دنیا جوریه که رفیق‌ام افسرده میشن پای حرفام و یه جورایی به منفی نگر و حشتناکم ولی سعی میکنم منطقی باشم خویبا رو هم تو این دنیا ببینم، همه چیز رو خاکستری میبینم با رگه های سیاه.

۵۹. تا حالا از این تستای MBTI و مشابه اون که در مورد شخصیت شناسیه انجام دادی؟ نتیجه اش چی بوده؟ در کل، درون‌گرا هستی یا برون‌گرا؟

<http://www.khodshenas.ir/MBTI/INFP>

بله تایپ infp هستم و کل اطلاعات مربوط بهش بالا هست و صدق میکنن واقعا! درون‌گرا، کم صحبت، دگر محور، رویاپرداز، کمال طلب و غیر عمل‌گرا!

۶۰. تابستان خود را چگونه می گذرانی؟ :همر:

بی کاری، بیماری، بی پولی و دیگر بی ها. قشنگ آهنگ امیر عظیمی بود، فیلم و سیگار و خواب و بی پولی. :hammer:

۶۱. اهل کتاب/ فیلم/ گیم هستی؟ چه سبکی؟ بهترین هارو معرفی کن بهمون.

جدیدا کتاب نه ولی کتابی رو میخونم که متنش ساده باشه و درشت گویی نباشه و یه حس و حال عجیب بهم بده، نمیتونم دقیق توصیف کنم. فیلم و سریال زیاد میبینم شاید بیشتر درام باشن ولی خب کمدی ها رو بیشتر از همه میپسندم، حالمو خوب میکنن. گیم هم که با پول الان صرف نداره اصلا ولی بازیای آنلاین فیری میزنم. :دی

۶۲. یه فانتزی که همیشه تو ذهنته نقل کن برامون.

ماشین زمان داشته باشم و برم یه سری اشتباهاتم با یه سری آدمای رو انجام ندنم، ولی امیدوارم فانتزی بمونه چون حوصله ی گند زدن به زمان رو ندارم.

۶۳. چه رنگی رو دوست داری؟ اتاقت چه رنگیه؟

آبی کمرنگ، رنگ اتاقم دقیقا عین اتاقای بیمارستانه! صورتی کمرنگ هم دوست دارم، یه رنگی بین سفید و صورتیه و به شدت آرامش بخش و بنفس هم عالیه.

۶۴. آشپزی هم بلدی یا بخوریم غذاهاتو به فنا میریم؟ خودت چه غذایی رو دوست داری؟ اگه مجبور بشی تا آخر عمرت با یه غذا زندگی کنی، اون چیه؟

بدک نیستم ولی ترجیح میدم غذای باقی ملتهو بخورم بهتر میپزن. من تقریبا با همه چی حال میکنم جز عدس و کرفس و کدو و لازانیا به نظرم انتخاب مناسبیه که تا ته عمر همراه باشه و من رو یه گارفیلد کنه!

۶۵. میونت با موسیقی چطوره؟ ساز خاصی بلدی؟

دارم سعی میکنم پیانو یاد بگیرم و اینکه رابطم با موسیقی عالیه، اسم بچمونم انتخاب کردیم.

۶۶. چه آهنگی گوش میکنی؟ چه سبکی؟ اگه بخوای به کسی که تا حالا آهنگای اون فرد/ گروه رو نشنیده، یه track معرفی کنی که برای اولین بار بشنوه، اون چیه؟

آلترناتیو راک و رپ آمریکا رو خیلی دنبال میکنم و اگه بخوام یه سری چیز بهتون معرفی کنم اینان: the mac miller، the diary of a little death و breaking Benjamin neighbourhood jane

۶۷. موزیک خاصی هست که تا حالا چونصد هزار دور گوشش کردی باشی؟ چی و چرا؟

جدیدا رو آهنگ ghost از jaden smith قفلم و بذارین ساده بگم دلیل خاصی نداره فقط یه احساس عجیبی بهم میده که انگار وسط یه جمع شلوغ هستی ولی نیستی و خیلی شاخی. :دی ولی اون ۳ تا ترک که بالا گفتم قفلای همیشه منن.

۶۸. به فال، طالع بینی، کف بینی... اعتقاد داری؟ وسیله ای داری که اعتقاد داشته باشی باعث شانسست میشه؟

اصلا! خوشم نمیداد از این حرکات حتی.

۶۹. خیلی درسخونی؟ کمترین معدل چند بوده تا حالا؟

هیچ وقت نبودم. به غایت تنبل بودم و همیشه کلاسو میپیچوندم و تفریحات غیرسالم با دوستان ناباب ولی تهش مظلوم نمایی میکردیم و فوقش شب امتحان دو سه ساعت وقت میذاشتم و نرمم درست میشد. کمترین معدل ۱۸.۸۵ بود سال اول دبیرستان و مطمئنا چارم دبیرستانم کمتر از این شده ولی یادم نیست، این نشون میده چقدر اهمیت دادم به مدرسه سال آخر. :دی

۷۰. خاطره ی خاصی از دوران مدرسه نداری برامون تعریف کنی؟ (جیم شده باشی، از کلاس انداخته باشنت بیرون، خرابکاری کرده باشی...)

زیر پای رفیقم وسط کلاس شیر گذاشتم، ایشون نشست روش و مورب هم نشست نتیجتا شیره کاملا پاشید رو کسی که بغش بود. معلم هم احمق بود فک کرد کار خودشو و خودش زیر پای خودش زیر گذاشته. رفیقم میگفت بدترین بلاییه که سرش اومده!

۷۱. بهترین رشوه ای که می شه بهت داد چیه؟

اگه خسته باشم هیچی واقعا ولی به طور کلی شاید اینکه پولمو حساب کنن موقع کافه ای چیزی.

۷۲. فکر کن هر جای تاریخ دنیا رو بخوای توی هر کشوری میتونی تغییر بدی. کجاشو عوض میکنی؟

بهش نمیدادزم که باید با گونی جمع کنن. دی

۷۳. اگه بهت زمان برگردان بدن، دلت میخواد به چه روزی برگردی؟ چه چیزی رو تو زندگیت عوض می کنی؟ اصلا عوض کنی بهتره یا نکنی؟

یه سری چیزا تو ذهنم اومد ولی همونطور که قبلا گفتم حوصله گند زدن به زمان رو ندارم و ترجیح میدم همینطوری بمونه.

۷۴. تو آینه نفاق انگیز چی می بینی؟ هری پاتر هنوزم پدر مادرشو می بینه؟ تراورز و شخصیتایی که قبلا داشتی چی میبینن؟

سیاوشی که میخنده حتی با نگاهش، نمیترسه دیگه. هری پاتر فک کنم یه خونواده ی خوشحال و راضی میبینه، خودشو عیال و بچه هاش. تراورز یه مشت مرید که حرفاشو گوش میکنن فیلی باسترم سیکس پکی چیزی یحتمل، شخصیت مزخرفی ساختم از فیلی باستر واقعا.

۷۵. اگه بتونی نامرنی شی و هر جایی بخوای بری (فقط یک ساعت) کجا میری؟

جای خاصی مد نظرم نیست، زیاد علاقه ای ندارم به این قضیه واقعا، خوشم نمیاد از نامرنی بودن.

۷۶. ده سال بعد کجایی؟ چیکار می کنی؟ اون موقع به جادوگران فکر می کنی اصلا؟ وقتی به این روزها تو جادوگران فکر کنی چه حسی بهت دست میده؟

امیدوارم آلمانی ایتالیایی کانادایی جایی باشم، واقعا نمیخوام ایران باشم اون موقع. نمیدونم دقیقا چی کار میکنم ولی خب نون بازو در میارم دیگه و واقعا فک نمیکنم به جادوگران بخوام نگاه کنم اون موقع و زیاد یادم باشه چیزی ازش.

۷۷. اگه قلم پر دست تو بود با کی مصاحبه می کردی؟ هم از بچه های سایت، هم یه شخصیت واقعی.

از بچه های سایت یا وینکی یا هاگرید خارج از اون هم کاتیه وست. دی

۷۸. کی رو برای مصاحبه بعدی پیشنهاد می کنی؟ فکر می کنی چی شد خودت دعوت شدی؟

هاگر، وینکی، ادوارد بونز، پروفیسور. من یادمه داشتم با هاگرید فورتنایت بازی میکردم بعد پای میکروفون گفتم حاجی خیلی دلم میخواست قبلنا که برم قلم پر و اینا و کلی هم حاشیه داشتم و این حرفا یهو عصرش آن شدم دیدم گفتن بیا قلم پر. دی هاگرید کی انقد مافیای خفنی داشت: hammer:

۷۹. از سوالا که خسته نشدی؟ دی

خسته که نه ولی خیلی فرسایشین روزی ۱۵ تاشو تونستم جواب بدم، سختن!

۸۰. تیکه کلام خاصی داری؟ چیه؟ از اون دسته آدما هستی که تیکه کلام دیگران میفته تو دهنشون؟

حاجی، برادر، وات دِ فلان و خب خیلی چیزا. آره بعضی وقتا میفتن تو دهنم متاسفانه.

۸۱. خارج از فصای جادوگران هم می نویسی؟ ویلاگ/ کاتال داری؟

داشتم قبلا ولی دیدم واقعا چه صرفی داره واسم حرفامو بخوام به ملت بگم و اینا، بیخیال شدم. کلا حوصله حرف زدن و اینا ندارم معمولا.

۸۲. چه سایتایی غیر از جادو فعالیت می کنی؟ سایت خوب چی بلدی بهمون معرفی کنی؟ همر:

تو افسانه ها و گاتیفا بودم که به دیار باقی شتافتند. سایت خوب هم رومیز و زومجی. دی

۸۳. وقتی تنهایی یا حوصله ات سر میره چیکار می کنی؟ تفریحات چیه؟ وقتی تنها نیستی چی؟

گیم میزنم، با چنتا از رفیقای نزدیکم چت میکنم، سریالی چیزی میبینم. تنها نیستم معمولا کافه ای جاییم با دوستان و بذارین شفاف سازی کنم کافه پول ازم نمیگیره پس همش کافه بودم دلیل بر پول دار بودنم نی. دی

۸۴. به روز کامل رو از صبح که بیدار میشی تا شب که میخوابی بهمون بگو چیکار می کنی؛ روزت چه طور میگذره در واقع.

ساعت ۱۱ پا میشم، تا ۱۲ گیجم، ناهار میخورم، میشینم پای گیم، سوالای قلم پرو چنتا جواب میدم، میرم بیرون، برمیکردم، به چیزی میخورم، ۳ ساعت تو یوتیوب ول میگردم یا چت میکنم و سپس میخوابم. این وضع هفته ی اخیر بنده بوده.

۸۵. تا حالا شده حرفی بزنی یا از چیزی/ کسی دفاع کرده باشی، بعد بهویی متوجه شی داری کاملا چرت میگی؟ تعریف کن برامون.

زیاد! انقدر زیاده که یادم نمیاد حقیقتا!

۸۶. سوالات دوگزینه ای: یکی رو انتخاب کن.

ترکوندن کسی که ازش متفتری یا رسیدن به کسی که دوستش داری؟ دومی
اینترنت مادام العمر رایگان با سرعت بی نهایت یا گجتی که دلت میخواد داشته باشی؟ دومی (فرستاننده ی بو و مزه!)
داشتن یه کتابخونه با پنج هزار جلد کتاب یا رفتن به سفر دور دنیا؟ دومی
رفتن به جشن امضای کتاب نویسنده ی مورد علاقه ات یا رفتن به کنسرت خواننده ی مورد علاقه ات؟ دومی!
داشتن تعداد زیادی دوست خوب یا تعداد محدودی دوست فوق العاده؟ دومی!
روزانه یه کتاب رایگان یا روزانه یه پیتزای رایگان؟ دومی! شرمنده ی تمام بچه های کتاب دوستم. :دی

۸۷. چی حالتو خوب یا بد میکنه؟ بلدی حال خودتو خوب کنی؟

اصلا بلد نیستم، اصلا! نمیدونم واقعا، آهنگ جدید یکی که خیلی منتظرش بودم، پول گیرم بیاد، یه گیم خفن و ناب.

۸۸. فکر کن یه سفر تفریحی برنده شدی که باید با یکی از اعضای سایت بری. با کی میری؟

متاسفانه هاگرید...

۸۹. اگه بتونی یه نفرو توی دنیا به آرزوش برسونی، اون کیه؟ به جز خودت.

احساس میکنم آرزوهای بابام منطقی تر باشن و سود بیشتری واسم داشته باشن.

سوالات متفرقه:

۹۰. پنج نفر از اعضای سایت رو انتخاب کن و هرکدوم رو به یه شخص یا شی تشبیه کن.

وینکی: نیمچه مورتی نیمچه ریک!

هاگرید: عصا.

آرسینوس: هندزفری که کار نمیکنه.

لینی: هندزفری که خیلی خوب کار میکنه! :دی

ریگولوس: بالش ☺

۹۱. نظر خودت درمورد زخم خیمه؟ توهم به عشق مادر و این حرفا باور داری یا نه، فقط به خاطر اینکه صرفا تو کتاب تحمیل شده بهش فکر نکردی و همینو تو باورت ثبت کردی؟ اصلا اگه مسئله عشق مادر بوده چرا باید اثر یه زخم بمونه؟ مگه غیر از اینه که ضد ضربه شده بودی؟

زخم خوشگلیه نمیدونی چنتا ساحره باش مخ زدم. :دی واقعا به این مسائل که گفتی فک نمیکنم همین مهمه که ساحره ها جذبه میشن!

۹۲. اگه از بین سوالای بچه سوالی هست که من نپرسیده باشم، اما دوست داری بهش جواب بدی، کپیش کن و جواب بده.

خیلی فرسایشی بود ماجرا واقعا نمیتونم شرمنده. :hammer

۹۳. کدام سوالو پیشتر از همه دوست داشتی؟

سوال ۲۹ خیلی خاطره زنده کرد واسم، همی دنیا...

۹۴. سوالی هست که من یا دیگران نپرسیده باشیم ولی دوست داشته باشی بهش جواب بدی؟ حرف خاصی؟ صحبتی؟ تعارف نکن! :همر:

"چرا انقدر حاشیه میسازی؟ چرا انقدر تو سایت مسخره بازی در میاری؟ مرضت چیه؟"

این جور سوالا! :دی

۹۵. حرف آخر؟ یا همون: هر چه میخواد دل تنگت بگو.

صرفا میخوام بگم شرمندم! ببخشید حاشیه ساز بودم، ببخشید اذیت کردم، ببخشید از سگا متنفر بودم، ببخشید پراید بودم، ببخشید بی ام سی میزد، ببخشید هری خوبی نبودم، ببخشید قلم پرو با اینقدر تاخیر تحویل دادم و این حرفا. :hammer: